

سیر عقل در منظومه حقوق بین الملل

اصول اساسی روش‌شناسی حقوق بین الملل

ویراست دوم با تجدیدنظر و اضافات

دکتر هدایت‌الله فلسفی

(استاد دانشکده حقوق)

کتاب برگزیده اول در دهمین جشنواره بین‌المللی فارابی

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۹

فهرست مطالب

پیشگفتار ویراست دوم / هفده
پیشگفتار چاپ اول / سی و هفت
فهرست علائم اختصاری / چهل و پنج

مقدمه تحلیلی / ۳

- الف) تعریف روش شناسی / ۱۸
ب) سیر تاریخی روش شناسی / ۲۱
ج) رسالت روش شناسی: تحقیق علمی / ۵۰
د) معماری بنای «تحقیق» / ۵۱
- یک: سهم «ساخته» و «داده» در تهیه و تدارک موضوع یا مضمون بحث / ۵۱
دو: تعامل موضوع معین تحقیق و روش شناسی / ۵۵
سه: تبعات مرتبط با «تعریف مفهوم» و «ابزار نظری تحلیل» / ۵۹
- ۱) «تعریف مفهوم» / ۵۹
۲) ابزار نظری تحلیل / ۶۱
- چهار: روش شناسی خاص حقوق بین الملل عمومی: شیوه‌های علمی ساخت موضوع تحقیق / ۶۳
- ۱) حدود معین مضمون تحقیق / ۶۳
۲) نظر روشن و مناسب / ۶۶
۳) صورت‌بندی مسأله یا فرضیه تحقیق / ۷۴
۴) تعیین حدود لوازم تحقیق / ۸۰

فصل اول: گونه‌گونی روش‌های علمی در حقوق بین الملل / ۸۵

بخش اول: تحقیق فنی درباره حق بر جدایی طلبی / ۸۹

■ حقیقت فنی حق بر جدایی طلبی / ۹۵

- (ب) نمود بارز هرمنوتیک در تفسیر تکاملی: بازبینی و بازاندیشی «متن» / ۱۷۱
 یک: تفسیر تکاملی درون‌زا / ۱۷۳
 دو: تفسیر تکاملی برون‌زا / ۱۷۹
- بند چهارم:** جلوه‌های عملی تفسیر بسیار موسّع (هرمنوتیک معتدل): اقتدار «قاضی بین‌المللی» در یافتن «قاعده کلی» / ۱۸۲
- (الف) شناسایی قواعد کلی / ۱۸۷
 (یک) نسبی بودن رویه دولتها / ۱۸۸
 (دو) تقدّم ضرورت عینی بر رویه دولتها / ۱۹۰
 (سه) اولویت انصاف بر رویه دولتها / ۱۹۲
 (چهار) بی‌اثر بودن رویه دولتها در برابر اصول اولیه بشر دوستانه / ۱۹۴
 (ب) منزلت قواعد کلی در نظام بین‌المللی / ۱۹۵
 (ج) تأملات حقوقی درباره «قاعده کلی» در آراء دیوان / ۲۰۰
 (د) قاضی بین‌المللی و «قاعده امره» / ۲۰۳
- بخش دوم:** روش تحلیل علمی / ۲۱۲
- بند اول:** در جست و جوی منزلت مفهوم «حقوق بشر» در «نظام بین‌المللی معاصر» با استفاده از روش‌شناسی تحلیل علمی / ۲۱۴
- (الف) مسؤولیت نقض تعهدات ایجابی / ۲۱۶
 (ب) پیوند میان مسؤولیت دولتها و نظریه تعهدات بین‌المللی / ۲۱۸
 (ج) عمل «خلاف بین‌المللی» و «تعهدات بین‌المللی» دولتها / ۲۲۰
 (د) مقدمات منطقی در روش‌شناسی تحلیل علمی: لزوم برقراری سازش میان مسأله «حقوق بشر» و کلیت سیستم حقوق بین‌الملل / ۲۲۲
 (ه) تأثیر «نظریه حقوق بشر» بر حقوق بین‌الملل معاصر / ۲۲۴
 یک: تغییرات کلی و ساختاری / ۲۲۴
 دو: تغییرات در منابع حقوق بین‌الملل / ۲۲۸
 سه: تحوّل در مضمون قواعد اولیه حقوق بین‌الملل / ۲۳۲
 چهار: تحولات و تغییرات پی در پی در مجموعه قواعد ثانویه بین‌المللی / ۲۳۶
- بند دوم:** در جست‌وجوی منزلت اصول «مداخله مبتنی بر رضایت» در نظام بین‌المللی معاصر با استفاده از روش‌شناسی تحلیل علمی / ۲۴۴
- (الف) تداوم اصول کلی قابل‌اعمال بر مداخلات مبتنی بر رضایت / ۲۴۸
 یک: رعایت چارچوب «رضایت» / ۲۴۸
 دو: بی‌اعتباری درخواست مداخله بیگانه از جانب گروه‌های مخالف / ۲۵۱
 سه: مرجعیت مؤثر دولت خواهان مداخله / ۲۵۴
 (ب) نظارت شورای امنیت بر مداخلات مبتنی بر «رضایت» / ۲۵۶
 یک: تعاملات روزافزون مداخلات مبتنی بر «رضایت» و حقوق امنیت جمعی / ۲۵۶
 دو: راه‌های پیوند «امنیت جمعی» به «مداخله مبتنی بر رضایت» / ۲۵۹

بخش دوم: تحقیق فلسفی درباره حقّ بر جدایی‌طلبی / ۹۷
 ■ حقیقت فلسفی حقّ بر جدایی‌طلبی / ۱۰۶

فصل دوم: علوم و روشهای تحلیل حقوق بین‌الملل / ۱۱۱

بخش اول: فنّ حقوقی یا دکماتیک حقوقی / ۱۱۴

بند یکم: تعیین و تفسیر متودولوژیک مقررات حقوقی در مفهوم خاصّ کلمه / ۱۱۵

(یک) توزیع قدرت در نظام اجتماعی / ۱۱۵

(دو) ساختار ارگانیک جامعه / ۱۱۶

(سه) نوع حقوق حاکم بر جامعه / ۱۱۶

(چهار) میزان اتحاد جامعه و توازن ایدئولوژیک / ۱۱۶

(الف) سیر تحوّل تاریخی «تفکر حقوقی» / ۱۲۰

(ب) مبنای اساسی مکتب تفسیر لفظی / ۱۲۶

بند دوم: نظریه‌های تفسیر: بینشهای مضیق و موسّع و بسیار موسّع «تفسیر» / ۱۳۲

(الف) بینشهای مضیق / ۱۳۲

(ب) بینشهای موسّع / ۱۳۴

(ج) بینشهای بسیار موسّع: بینشهای هرمنوتیکی / ۱۳۷

۱. نظریه فریدریش موللر: «تفسیر»: انتخاب معنا بر مبنای الگوی ارزشها / ۱۳۷

۲. نظریه ولفگانگ فیکنچر: «تفسیر»: یافتن و معنا کردن زمان گذشته در آینده / ۱۴۰

۳. نظریه مارتین کرپله: «تفسیر»: رسیدن به نتیجه‌ای خردمندانه / ۱۴۴

۴. نظریه روبرت الکسی: «تفسیر»: تمرکز بر ارزشها و اولویتهای حیات

اجتماعی / ۱۴۸

۵. نظریه یوزف اِسِر: «تفسیر»: توجّه به اصول کلی، مواضع، مفاهیم و بینشهای کلی

حقوق / ۱۵۳

۶. نظریه‌های متمایل به پوزیتیویسم: نظریه معتدل کارل لارنز: «تفسیر»: موازنه میان

«امنیت» و «عدالت» / ۱۵۷

نخستین حلقه تفسیر و توسعه حقوق / ۱۵۸

دومین حلقه تفسیر و توسعه حقوق / ۱۶۰

سومین حلقه تفسیر و توسعه حقوق / ۱۶۱

۷. نظریه‌های وفادار به پوزیتیویسم: نظریه ارنست فورستهورف: «تفسیر»: پاسداری از

اصل «تفکیک قوا» / ۱۶۳

■ حاصل کلام: سهم «هرمنوتیک حقوقی» در تعیین و تفسیر «قاعده حقوقی» / ۱۶۴

بند سوم: «تفسیر» در حقوق بین‌الملل: فهم جلوه‌های درونی و بیرونی «قاعده حقوقی» در

«زمان» / ۱۶۷

(الف) فرایند «تفسیر» و عمل «تصدیق» / ۱۶۷

- (ب) اصالت عین / ۳۵۲
- (ج) روش اراده‌گرا، روش عینیت‌گرا / ۳۵۴
- بخش دوم: رهیافت فورمالیستی و رهیافت انتقادی: نظریه‌های متفاوت و روشهای جداگانه در عرصه تحقیقات و تبعات حقوق بین‌الملل / ۳۶۰
- شکاف نظری میان رهیافت فورمالیستی و رهیافت انتقادی / ۳۶۰
- (الف) رهیافت فورمالیستی / ۳۶۱
- (ب) رهیافت انتقادی / ۳۶۲
- (ج) روش فورمالیستی - روش انتقادی / ۳۶۴
- یکم: روشهای فورمالیستی در مفهوم موسع و در مفهوم مضیق کلمه: مورد قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد / ۳۶۸
- دوم: روشهای انتقادی / ۳۶۹
- ابضاح روش‌شناختی: قطعنامه‌های خاص (توصیه‌نامه‌ها): پدیدار نسبت تعهدات بین‌المللی / ۳۷۱
- محلّ تقریر بحث: / ۳۷۳
- (الف) تکالیف دسته اول / ۳۷۳
- (ب) تکالیف دسته دوم / ۳۷۵
- (ج) تکالیف دسته سوم / ۳۷۸
- تأمل روش‌شناختی بر این سه دسته «تکلیف» / ۳۷۹
- یک: حقوق در حال شکل‌گیری «*lex ferenda*» / ۳۸۱
- دو: حقوق غیر تقنینی اما مبتنی بر همکاری / ۳۸۴
- (د) تکالیف دسته چهارم / ۳۸۶
- بخش سوم: رهیافت ایده‌آلیستی و رهیافت رئالیستی: نظریه‌های مختلف، روشهای متفاوت / ۳۹۰
- وجه تمایز نظری میان رهیافت ایده‌آلیست و رهیافت رئالیست / ۳۹۰
- (الف) رهیافت ایده‌آلیستی / ۳۹۱
- (ب) رهیافت رئالیستی / ۳۹۴
- رهیافت ایده‌آلیست و رهیافت رئالیست: تعریف تروریسم / ۳۹۷
- (ج) روش ایده‌آلیستی - روش رئالیستی / ۳۹۷
- ابضاح ۱: رهیافت ایده‌آلیستی در حوزه مفهومی «حقوق بشر»: منزلت ایده‌آلیستی «حقوق بشر» در نظامهای ملی و بین‌المللی / ۴۰۱
- ابضاح ۲: رهیافت رئالیستی در حیطه اقدامات شورای امنیت ملل متحد / ۴۳۰
- (۱) تقابل دو مفهوم: «مسئولیت حمایت» و «حمایت مسؤولانه» / ۴۳۴
- (الف) تقابل نظری / ۴۳۴
- (ب) تقابل عملی: شورای امنیت و مسأله سوریه / ۴۳۸
- (۲) اصول مربوط به نظارت بر اجرای عملیات نظامی شورای امنیت / ۴۴۰
- (الف) محدودیت عملیاتی و زمانی جواز توسل به زور / ۴۴۱
- (ب) مداخله نظامی بر اساس منطوق و مفهوم «حکم» و محدوده هدفهای تعیین‌شده در قطعنامه شورای امنیت / ۴۴۲
- (ج) ضرورت و تناسب مداخله و رعایت آنها در چارچوب حقوق بین‌الملل / ۴۴۳
- (د) تقویت آیینهای نظارت بر اقدامات دولتهای شرکت‌کننده در عملیات مجاز / ۴۴۶
- (۳) مسؤولیت حمایت: آرمانی دیرینه در قالبی نو / ۴۴۸
- (الف) قالب نو / ۴۴۸
- (ب) آرمان دیرینه / ۴۵۱
- (۴) مسؤولیت حمایت، حمایت مسؤولانه: آیینهای تضمینی: مفاهیم نو و ابزارهای کهنه / ۴۵۴
- ابضاح ۳: «انسان» در میانه اسطوره و تاریخ
- رهیافتهای فلسفی، تاریخی و عمل‌گرا در حیطه نظام بین‌المللی «حقوق بشر» / ۴۵۸
- (الف) رهیافت فلسفی / ۴۵۸
- یک: جدایی فلسفه و حقوق / ۴۵۹
- دو: جدایی حقوق و عدالت / ۴۶۱
- (ب) رهیافت تاریخی «حقوق بشر» / ۴۶۳
- یک: مجادله بر سر مفهوم «حقوق بشر» / ۴۶۳
- دو: مبنا و ریشه تاریخی مفهوم «حقوق بشر» / ۴۶۴
- (۱) اصالت فرد / ۴۶۴
- (۲) برتری فرد و سازمان روابط میان فرد و جامعه / ۴۶۷
- (۳) جهانی بودن مفهوم «حقوق بشر» / ۴۶۹
- (ج) رهیافت عمل‌گرای «حقوق بشر» / ۴۷۰
- یک: «مجادله» در نظام بین‌المللی حقوق بشر / ۴۷۱
- دو: مقدمات اولیه نظام بین‌المللی حقوق بشر / ۴۷۳
- (۱) اصل بنیادین: «شأن و منزلت انسانی» / ۴۷۵
- ریشه‌شناسی اصل «شأن و منزلت انسانی» / ۴۷۶
- (۲) اصول اساسی: آزادی، برابری، همبستگی / ۴۷۸
- (۳) اصول ساختاری: دموکراسی، کثرت‌باوری، صلح، حکومت قانون / ۴۷۹
- (۴) اصول انسجام: جهان‌روایی، پیوستگی متقابل، تفکیک‌ناپذیری / ۴۸۰
- سه: شرایط جدل / ۴۸۱
- چهار: زمینه‌های جدل / ۴۸۴
- (۱) مباحثه بر سر مفهوم «صاحب حق» / ۴۸۴
- (۲) جدل بر سر «موضوع حق» / ۴۸۶

- بنده دوم: مراحل مختلف استدلال حقوقی / ۶۲۱
- الف) کبرای قیاس / ۶۲۱
- یک: فرضیه حقوقی / ۶۲۲
- دو: قاعده یا حکم قضیه / ۶۲۸
- ب) صغرای قیاس / ۶۳۰
- یک: ادله اثبات دعوی در حقوق بین‌الملل / ۶۳۲
- دو: تصدیق ماهیت حقوقی وقایع / ۶۳۸
- بخش دوم: روشهای منطقی تفسیر و اجراء مقررات حقوق بین‌الملل / ۶۴۵
- الف) آمیختگی تفسیر و اجراء قاعده حقوق بین‌الملل / ۶۴۵
- ب) تأثیر متقابل تفسیر و اجراء در یکدیگر / ۶۴۷
- یک: تفسیر انتزاعی قاعده / ۶۴۷
- دو: تفسیر قاعده از طریق توصیف اوضاع و احوالی که اجرای قاعده منوط به تحقق آنها شده است / ۶۴۷
- سه: تفسیر قاعده از طریق اجراء / ۶۴۹
- بنده یکم: تفسیر: انطباق عناصر اساسی موارد عینی بر مفاهیم انتزاعی قاعده حقوقی / ۶۵۱
- الف) منابع صوری تفسیر / ۶۵۶
- یک: نکات دستوری / ۶۵۶
- دو: مفاهیم اعتباری / ۶۵۷
- سه: مسائل منطقی / ۶۵۷
- نقد و ارزیابی روشهای نظری حلّ تعارض قواعد و مقررات بین‌المللی / ۶۶۰
- چهار: تدابیر حقوق بین‌الملل موضوعه برای حلّ تعارض قواعد و مقررات بین‌المللی / ۶۶۰
۱. تدابیر خاص / ۶۶۰
۲. تدابیر عام / ۶۶۲
- پنج: مسائل خاص / ۶۶۴
۱. اعتبار زبان معاهده / ۶۶۴
۲. موارد سکوت و ابهام حقوق بین‌الملل / ۶۶۴
- ۱-۲. استنتاج «قاعده» از راه تمثیل / ۶۷۰
- ۲-۲. استنباط قاعده از طریق اصول کلی / ۶۷۱
- ایضاح: مفهوم «خلأ» در حقوق بین‌الملل / ۶۷۶
- الف) خلأ در مفهوم وسیع کلمه / ۶۷۶
- ب) دیدگاه میانه / ۶۷۷
- ج) «خلأ» در حقوق / ۶۷۸
- د) انکار وجود «خلأ» در نظام حقوقی / ۶۸۰
- ب) منابع مادی تفسیر / ۶۸۱
- یک: روش کمی توصیف فرضیه‌های حقوقی / ۶۸۲
- دو: روش کیفی توصیف فرضیه‌های حقوقی / ۶۸۳
- حقیقت عقلانی تفسیر: انتخاب مفهوم «قاعده» یا محتوای «اصل» حقوقی / ۶۸۶
- بنده دوم: روشهای منطقی اجرای مقررات بین‌المللی / ۶۸۸
- الف) اجرای مقررات بین‌المللی در پهنه اقتدارات ملی / ۶۸۸
- یک: پذیرش عام / ۶۹۰
- دو: پذیرش خاص / ۶۹۳
- سه: صلاحیت انحصاری دولتها در اجرای مقررات بین‌المللی / ۶۹۷
- ب) اجرای منطقی مقررات بین‌المللی در پهنه سازمانهای بین‌المللی / ۷۰۱
- یک: اعتبار نظام حقوقی حاکم بر سازمانهای بین‌المللی / ۷۰۲
- دو: توزیع صلاحیتها در سازمانهای بین‌المللی / ۷۰۵
- سه: نحوه اعمال اختیارات در سازمانهای بین‌المللی / ۷۰۷
۱. استقلال سازمانها در اعمال اختیارات اساسی / ۷۰۸
۲. ابتکار عمل ارگانهای سازمانهای بین‌المللی در انجام وظایف اساسی / ۷۱۱
۳. حدود استقلال عمل سازمانها در گسترش اختیارات اساسی / ۷۱۳
- چهار: صورتهای مختلف اعمال مقررات بین‌المللی در سازمانهای بین‌المللی / ۷۱۶
- بنده سوم: اجرای مقررات بین‌المللی در مراجع قضائی بین‌المللی / ۷۲۳
- یک: تأثیر زمان وقوع اختلاف در صلاحیت محاکم بین‌المللی / ۷۳۱
- دو: تأثیر مسائل موضوعی در نحوه اعمال صلاحیت مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری / ۷۳۶
۱. جنبه سیاسی مسائل مورد مشورت / ۷۳۷
۲. جنبه واقعی مسائل مورد مشورت / ۷۳۸
۳. وجود اختلاف / ۷۳۹
- سه: تأثیر نوع احکام داخلی در اقامه دعاوی بین‌المللی / ۷۴۱
- نظام بین‌المللی در ترازوی منطق / ۷۴۳
- مقصد / ۷۴۷
- نمایه / ۷۵۱

در عمل تنوع روشهای علمی حقوق بین‌الملل کاملاً مشهود است. در مراجعه به هر سالنامه یا مجله حقوقی یا هر اثر جمعی، خواهیم دید که هر مؤلف یا نویسنده‌ای از روشی متفاوت پیروی کرده است. این تنوع از آنجا ناشی می‌شود که در حقوق بین‌الملل اساساً برای مطالعه هر مسأله راههای مختلفی وجود دارد. نیز از پی هر مسأله، مسائلی دیگر به وجود می‌آید که می‌توان آنها را از زاویه‌های مختلفی بررسی کرد.

تنوع راههای تحقیق در حقوق بین‌الملل را می‌توان با دو گزینه علمی که در هر تحقیق علمی وجود دارد به نمایش درآورد. گزینه نخست علمی است که محدوده تحقیق را معین می‌کند

هر «روش» با توجه به علم حقوق بین‌الملل که محقق مصمم به کار در محدوده آن است، معین می‌گردد. این گزینه تأثیر قابل توجهی بر انتخاب موضوع تحقیق و همچنین بر نوع مسائلی می‌گذارد که باید به لحاظ این تحقیق حل گردد. مثلاً هر تحقیق مبتنی بر فن حقوقی اساساً تحلیلی و توصیفی است. در چنین حیطه‌ای باید درباره مضمون «قاعده حقوقی» و تعیین حدود آن تحقیق کرد. این تحقیق با تحقیق فلسفی تفاوت دارد. تحقیق فلسفی بیشتر به آنچه باید باشد می‌پردازد تا آنچه هست. تحقیق در این حیطه بیشتر دستوری یا تجویزی است تا تحلیلی و توصیفی.

اما گزینه دوم، مشخص ساختن جریان نظری یا مکتب فکری است که «تحقیق» در مدار آن به گردش درمی‌آید.

هر روش اصولاً با توجه به جریان نظری یا مکتب فکری که الهام‌بخش محقق است تعریف می‌شود. امکان دارد دو محقق که در حوزه «فن حقوق» کار می‌کنند، هر یک به مکتبی متفاوت وابسته باشند. مثلاً محقق اولی طرفدار «مکتب اصالت اراده» باشد و بر این فکر اصرار بورزد که «حقوق» ساخته و پرداخته اراده دولتهاست؛ و دومی با طرفداری از «مکتب اصالت عین» معتقد باشد که «حقوق» منبعث از ضرورت‌های اجتماعی است. بدین ترتیب چنانچه این دو بخواهند حقوق بین‌الملل را توصیف کنند و هر کدام سؤالات یکسانی را مطرح سازند، باز هر یک از روش خود تبعیت خواهد کرد. از این رو نتایج متفاوت خواهد بود.

چنانچه در حیطه گزینه نخست، موضوع تحقیق تعیین علمی باشد که با توجه به آن باید درباره حق بر جدایی طلبی مطالعه شود، ابتدا باید دید که آیا در حال حاضر این حق در حقوق بین‌الملل موضوعه وجود دارد؟ و آیا این حق از حق مردم در تعیین سرنوشت خویش منبعث می‌گردد؟

در فلسفه حقوق این حق با «اخلاق» سنجیده می‌شود؛ به گونه‌ای که بتوان پاسخی برای این سؤال پیدا کرد: آیا این حق باید وجود داشته باشد؟ چنانچه این حق باید وجود داشته باشد چگونه باید آن را تعریف کرد که هم خواسته‌های مردم را اجابت کند و هم تبعات منفی نداشته باشد و مانع تکه‌تکه شدن دولتها گردد؟

در حیطه گزینه دوم، اگر در حوزه «تحقیق فنی» قرار گرفته باشیم و روش‌شناسی در مدار اصالت اراده به چرخش درآمده باشد، سؤال آن خواهد بود که آیا دولتها حق بر جدایی طلبی را در «معاهده» یا به گونه‌ای دیگر پذیرفته‌اند؟ و چنانچه این روش بر مشرب عینی مبتنی باشد، سؤال آن خواهد بود که آیا این حق عیناً از ضرورتی اجتماعی منبعث شده است؟

چنانچه در حوزه فرض دوم یعنی «تحقیق فلسفی» قرار گرفته باشیم معلوم است که اگر مشربمان مادی‌گرایی باشد لزوماً از آن روشی که فیلسوف آرمان‌گرا دنبال می‌کند تبعیت نخواهیم کرد.^۱

1) O. Corten, *op. cit.*, pp. 21-22.

بخش اول:

تحقیق فنی درباره حق بر جدایی طلبی

جدایی (Sécession/secession) به معنای انشعاب بخشی از سرزمین دولت موجود است به صورتی که آن دولت به حیات خود ادامه دهد. جدایی با فروپاشی^۱ و انحلال^۲ تفاوت دارد. انحلال و فروپاشی زمانی مصداق دارد که دولت موجود به چند دولت تقسیم شود. البته هر یک از این دو مورد تابع مقررات حقوقی خاصی است که ما در اینجا فقط با مورد نخست یعنی جدایی طلبی سر و کار داریم.

دولتهای عضو جامعه بین‌المللی با آنکه اصولاً با «جدایی» در مفهوم «انشعاب» بخشی از سرزمینشان موافقتی ندارند، بر «استعمارزدایی» یا به عبارتی «حق ملتها به رهایی از استعمار» اصرار می‌ورزند.

در حال حاضر در حقوق موضوعه هیچ متن رسمی یا رویه‌ای وجود ندارد که بتوان با استناد بدانها میان «حق ملتها بر جدایی» و «حق مردم در تعیین سرنوشت» رابطه برقرار کرد و آن یک را منبعث از این یک دانست.

سرزمین موضوع جدایی طلبی اساساً برخلاف سرزمینهای تحت استعمار از سرزمین اداره‌کننده جدا نیست. به همین سبب این «جدایی» به هر صورت که طلب شود، ناگزیر با اصل تمامت ارضی دولتها روبروست.

به موجب اعلامیه ۲۶۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۷۰،^۳ «در تفسیر اصل «حق مردم در تعیین سرنوشت» باید دقت کرد که این اصل مشوق یا مجوز برای اقدامی نگردد که به واسطه آن تمامت ارضی یا وحدت سیاسی هر دولت مستقل و دارای حاکمیت پاره پاره شود و جزء یا کلاً به خطر افتد.»^۳

1) désintégration/disintegration

2) dissolution

3) "Rien dans les paragraphes précédents (en ce qui concerne le principe de l'égalité de droits des peuples et de leur droit à disposer d'eux-mêmes) ne sera interprété comme autorisant ou encourageant une action, quelle qu'elle soit, qui démembrerait ou menacerait, totalement ou partiellement, l'intégrité territoriale ou l'unité politique de tout État souverain et indépendant se